نقل به معنا در قرآن کریم

کسانی که با مباحث حدیثی آشنا هستند، میدانند که مسئله نقل به معنا در فضای احادیث، امری پذیرفته و مقبول است.(البته در همین زمینه در فضای اهلسنت اختلاف شدیدی وجود دارد که از موضوع این نوشتار خارج است) اما وقتی همین داستان، در فضای قرآن مطرح میشود همگان به انکار آن میپردازند و اگر کسی مدّعی رواج آن در بدنه مسلمین باشد، او را به عدم اطلاع از واقعیّات جامعه متّهم میسازند.

این مطلب،کاملا ًصحیح است. به برکت تلاشهای فراوان علماء امّت در طول تاریخ اسلامی، این مسئله بهعنوان یکی از محکمات و واضحات فکری مسلمانان، اعم از شیعه و سنّی درآمده است که قرآن بازیچه ی ما نیست که آن را به هر شکلی که خواستیم بخوانیم. کلمات که جای خود دارد،حتی حرکات و اعراب قرآن نیز بر پایه سماع است و متّصل به ملک وحی.

لکن شواهد تاریخی به ما نشان میدهد که میراث امروزی، ثمره کارهایی است که از قرن سوم به بعد صورت گرفته است، وگرنه در فضای عمومی جامعه اسلامی نقل بهمعنای قرآن کریم همانند احادیث تا پایان قرن دوم جاری و ساری بوده است.

این بررسی تاریخی، فضای جامع مسلمین را در آن دوران برای ما آشکار میسازد و خود قرینهای برای کشف زمین صدور روایات برای باحثین میگردد. روایاتی که ناظر به رفتار خارجی مسلمانان برای تغییر آنان صادر شده است، اما با مخفی شدن زمین بیان آنها بعد از قرون متوالی مفهوم دیگری به خود گرفته است.

بازبینی #1
ایجاد شده 16 آوریل 2025 16:01:47 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 آوریل 2025 16:01:59 توسط ... .